

مردم سالاری دینی: مدلول در حال رخداد

دکتر گیتی پورزکی

معاونت پژوهشی

پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی
وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

۱۳۹۹

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید آن کلاً یا جزئاً، به هر شکل اعم از چاپ، فتوکپی، اسکن، صوت، تصویر یا انتشار الکترونیکی بدون اجازه مکتوب از ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۱	دیباچه
	بخش اول: روش و نظریه
۸	روش تحلیل گفتمان
۱۰	روش تحلیل گفتمان لاکلا و موفه
۱۶	پرداخت یک مدل فرضی
۱۹	چرا مردم سالاری؟
۱۹	مردم سالاری به مثابه خواست
۲۱	مردم سالاری به مثابه ضرورت
۲۴	به سوی کدام مردم سالاری
۳۵	خواست و ضرورت مردم سالاری در تاریخ فکری ایران معاصر
۴۵	چرا مردم سالاری دینی؟
۴۵	مردم سالاری دینی به مثابه یک ضرورت
۴۸	علل بیرون گفتمانی: شایع بودن انواع مردم سالاری
۵۰	علل درون گفتمانی: ظرفیت های دموکراتیک دین اسلام
	بخش دوم: وجه ادراکی - شناختی تحکیم مردم سالاری دینی: تعلیق مدلولی و سرگردانی گفتمانی
۵۵	مردم سالاری دینی به مثابه دال مرکزین
۶۲	تخصیصات مدلولی حول مردم سالاری دینی
۶۶	قبض مردم سالاری دینی به مردم سالاری
۷۰	قبض مردم سالاری دینی به حکومت دینی
۷۱	مردم سالاری دینی، مدلولی در حال رخداد
۷۳	مدلول مردم سالاری دینی و تعلیق شناختی - ادراکی
۷۷	کوتاه سخن
	بخش سوم: وجه ساختاری تحکیم مردم سالاری دینی: تعلیق مدلولی و سرگردانی ساختی
۸۰	وجه ساختاری تحکیم مردم سالاری دینی
۸۲	ساخت اقتصادی
۸۳	قبض مردم سالاری دینی به دموکراسی و اقتصاد در بازار آزاد
۸۵	مردم سالاری دینی و مدلول در حال رخداد و اقتصاد مستقل
۸۸	قبض مردم سالاری دینی به حکومت اسلامی و اقتصاد اسلامی
۹۰	مناقشه وجود یا فقدان ساختار اقتصادی مناسب مردم سالاری

ب / مردم سالاری دینی: مدلول در حال رخداد

- ۹۶ ساخت سیاسی
- ۹۹ ساخت سیاسی به لحاظ قوانین و نهادها
- ۱۰۷ قانون اساسی به مثابه دال شناور
- ۱۱۱ چالش های ساختار سیاسی
- ۱۲۰ ساخت فرهنگی - اجتماعی
- ۱۲۵ فرهنگ سیاسی در ایران
- ۱۲۹ جهانی شدن فرهنگ و تعلیق فرهنگی
- ۱۳۳ گسل فرهنگی: ساختار فرهنگی محدود، تبعی یا مشارکتی
- ۱۳۶ کوتاه سخن

بخش چهارم: وجه کارگزاری تحکیم مردم سالاری دینی: تعلیق مدلولی و آنتاگونیسم

- ۱۴۱ کارگزاری: مروی بر چند دیدگاه
- ۱۴۴ کارگزاران فردی
- ۱۴۵ سنخ شناسی کارگزاران سیاسی در مواجهه با مردم سالاری دینی
- ۱۴۵ نخبگان ناباور به مردم سالاری
- ۱۵۴ نخبگان سیاسی بی توجه به مردم سالاری دینی
- ۱۶۸ نخبگان سیاسی حامی مردم سالاری دینی
- ۱۸۱ سبک شناسی کردار گفتمانی نخبگان سیاسی در فرآیند گذار به مردم سالاری
- ۱۸۷ کردار گفتمانی در دهه شصت: دهه جنگ در بیرون، صلح در درون
- ۱۹۰ کردار گفتمانی در دهه هفتاد: ظهور شکاف ها و منازعات سیاسی
- ۱۹۹ کردار گفتمانی در دهه هشتاد: سیاست ورزی به سبک جنگ

- ۲۱۵ کوتاه سخن
- ۲۱۶

پایان سخن

منابع و مآخذ

- ۲۲۱ منابع فارسی
- ۲۲۶ مقالات
- ۲۲۹ نشریات
- ۲۲۹ سخنرانی ها
- ۲۲۹ سایت ها
- ۲۳۰ منابع انگلیسی

دیباچه

انقلاب اسلامی از حیث گفتمانی، یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های دوره معاصر بوده است که با ساز و کاری نسبتاً آرام و مدنی به پیروزی رسید. سه شعار استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی را می‌توان به عنوان دال‌های اصلی گفتمان دموکراتیک انقلاب اسلامی معرفی کرد. در عین حال، ویژگی مذهبی بودن غیرقابل انکار انقلاب نیز از جمله خصوصیات منحصر به فرد در مقایسه با سایر انقلاب‌ها در تاریخ معاصر است. ترکیب «جمهوری اسلامی» خود، بیان عینیت‌یافته این خصوصیت دوجبهی است. مطالبه ترکیبی و تلفیقی همزمان از کنش‌گری مردم همراه با حفظ و اجرای احکام دین در ایران، مطالبه‌ای است سابقه‌مند، که قدمت آن حداقل به دوران مشروطه می‌رسد. فرآیندهایی چون انقلاب مشروطه، تکاپوی فکری، سیاسی و هنری روشنفکران و فرهیختگان دهه چهل و پنجاه و سرانجام انقلاب ۱۳۵۷ علی‌رغم تفاوت‌هایشان، همگی نشان از خواست و تلاش جدی جامعه ایرانی برای تغییر نظام و ساختارهای اقتدارگرا داشت. دین و کنشگران ملهم از دین نیز در تمامی برهه‌های مهم تاریخ این سرزمین، نقش مهمی ایفا کرده‌اند. به بیان دیگر، در مطالبه تغییر ساختارهای اقتدارطلب ایران نه تنها نیروهای سکولار و لائیک، بلکه نیروهای دینی نیز شریک و سهمیم بوده‌اند. برای مثال می‌توان به نقش آنها در انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت و نیز مطالبه

روشنفکران دینی دههٔ چهل و پنجاه و سرانجام انقلاب ۱۳۵۷ اشاره کرد. هرچند بخشی از این کنشگران ملهم از دین که می‌توان از آنها تحت عنوان دین‌مداران سنتی نام برد، در این وادی جانب احتیاط و حتی نفی گرفته و آن را یک خواست تحریفی دانسته‌اند که در نهایت دین را از درون تهی می‌سازد، اما بخش مهمی از دین‌مداران در مطالبهٔ عمومی گذار از ساختارهای اقتدارگرایانه همراه بوده‌اند و آن را پاسخی مناسب برای خواست‌ها و نیازهای جامعهٔ مسلمان در عصر مدرن دانسته‌اند. از آیت‌الله نائینی و آخوند خراسانی تا روشنفکران دینی دههٔ چهل و پنجاه تا آیت‌الله طالقانی و بازرگان همگی را می‌توان در این طیف گسترده قرار داد. با احتیاط و آگاهی می‌توان گفت تمامی این طیف، خواستار نوعی تلفیق و ترکیب بین مواضع دین و مطالبات آزادی‌خواهانهٔ عصر مدرن بودند.

به همین سبب، هرچند واژهٔ مرکب مردم‌سالاری دینی، جدید و به تاریخ پس از انقلاب اسلامی مربوط می‌شود؛ اما به لحاظ محتوا، مطالبهٔ تمامی تاریخ معاصر ایران بوده و پس از گذشت قریب به دو قرن، همچنان مطالبهٔ سپهر اجتماعی، سیاسی و حتی شخصی در گفتمان جمهوری اسلامی باقی مانده است.

مدون کردن این مطالبه به شکل رسمی و در قامت یک نظام سیاسی به انقلاب ۱۳۵۷ باز می‌گردد. با پیروزی انقلاب و برقراری جمهوری اسلامی و تدوین قانون اساسی سعی گردید این ترکیب شکل رسمی و نهادینه بیابد. اما این تنها آغاز کار بود و به تعبیر حافظ: «که عشق آسان نمود اول، ولی افتاد مشکل‌ها». به تعبیر برخی از کارشناسان و متفکران این حوزه، ایران در تاریخ معاصر خود و با انقلاب اسلامی، دو مرحله از سه مرحلهٔ لازم برای رسیدن به مردم‌سالاری دینی را پشت سر گذارده است. مرحلهٔ اول، شکست رژیم اقتدارگراست که این مرحله با فروپاشی نظام پادشاهی به سرانجام رسید. مرحلهٔ دوم، تغییر و حرکت از ساختارها و فرآیندهای اقتدارگرا به ساختارها و فرآیندهای جدید است که این مرحله با انقلاب ۱۳۵۷ آغاز شد. اما مرحلهٔ سوم، زمانی رخ می‌دهد که این ساختارها و فرآیندهای جدید نهادینه و تثبیت شوند. به تعبیری، تحکیم، استقرار و بلوغ

مردم‌سالاری در مرحله سوم اتفاق می‌افتد (در مورد سه مرحله‌ای بودن گذار به مردم‌سالاری ر.ک: بشیریه ۱۳۸۴: ۵۷؛ ساعی و عبداللهی ۱۳۸۴: ۴). آنچه در این پژوهش به دنبال آن هستیم، به مرحله سوم مربوط می‌شود، سخت‌ترین مرحله از این دگردیسی که هنوز در مسیر آن قرار داریم.

در این راستا، پرسش اساسی پژوهش این است که مردم‌سالاری دینی به مثابه یک خواست جدی و تاریخی جامعه ایران، برای تحکیم، تثبیت یا بلوغ خود با چه چالش‌ها یا موانعی روبرو بوده است؟ چرا این تثبیت انجام نشده؟ و در ضمن این چالش‌ها موجب چه عوارضی شده است؟

این پرسش‌ها در سپهر اندیشگی جامعه آکادمیک ایران سؤالی بدیع و تازه نیست، اما به واسطه اهمیت و ضرورت اذهان برجسته‌ای را به خود مشغول کرده و مباحث اندیشگی و سیاسی جدی را برانگیخته و کتب و مقالات بسیاری در این باب نگاشته شده است که به فراخور بحث به برخی از آنها اشاره خواهیم نمود. این مباحث، همچنان زنده و پویاست و جامعه و ذهن سوژه ایرانی را به خود مشغول کرده است.

در پاسخ، برخی بر علل ساختاری (اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی) انگشت گذاشته و عدم شکل‌گیری ساختارهای مناسب را مانع تثبیت «مردم‌سالاری» و همچنین «مردم‌سالاری دینی» انگاشته‌اند. در حالی که برخی دیگر بر علل کارگزارانه و سیاسی تأکید می‌کنند. این گروه متأخر معتقدند که ساختارهای مناسب نسبی برای تثبیت و تحکیم مردم‌سالاری وجود دارد، اما اراده، خواست و تاکتیک‌های سیاسی مناسب اتخاذ نشده است. این پرسش هر چند ثابت، مستمر و دیرپاست، اما پاسخ‌های داده شده به این پرسش بسیار متنوع و متکثر بوده و اغلب دارای جامعیت نمی‌باشد. در تحلیل ما، نقطه شروع و تمرکز پاسخ به این پرسش، همین پاسخ‌های متنوع و متکثر خواهد بود.

به نظر می‌رسد روش و نظریه گفتمان لاکلا و موفه، برای پیشبرد کار از یک سو و تحلیل این موضوع از سوی دیگر قابلیت خوبی دارد، لذا در بخش مبانی نظری به شکل نسبتاً مبسوط به آن اشاره خواهیم داشت. همچنین از یک مدل سه وجهی که چگونگی

ارتباط سطوح ادراکی، کارگزاری و ساختاری با یکدیگر در آن نمایان می‌شود، برای پیشبرد کار استفاده خواهد شد.

پاسخ ما به پرسش و فرضیه ارائه شده این است که: چالش‌زبانی از نوع مفصل‌بندی مدل‌ولی و عدم هم‌مونیک شدن مدل‌ولی، اصلی‌ترین چالش روبروی تثبیت مردم‌سالاری دینی است. گفتمان‌های متفاوت از هر سو نتوانسته‌اند دال‌جدی مردم‌سالاری دینی - که حتی ظرفیت تبدیل شدن به یکی از دال‌های مرکزی گفتمان جمهوری اسلامی را دارد - به خود مفصل‌بندی کرده و معنای خاص و ویژه خود را تثبیت و هم‌مون سازند. این حالت به نوعی تعلیق و حتی تعویق معنایی - مدل‌ولی در مورد این دال‌جدی انجامیده است.

مجادله بین دلایل ساختاری یا کارگزاری در عدم تثبیت مردم‌سالاری دینی تنها پس از این مرحله قابل پیگیری است. تعویق و تعلیق معنایی - شناختی، یا آنومی مدل‌ولی موجب می‌شود که سرگردانی و بی‌هنجاری در حیطه‌های ساختار و کارگزار نیز حادث شود. به بیانی دیگر، بیش و پیش از آنکه ساختارها و کارگزاران را تعیین‌کننده تثبیت یا عدم تثبیت مردم‌سالاری دینی بدانیم، می‌بایست این مشکله را یک پدیده زبانی - ادراکی ببینیم. اما پس از بازشناخت این تعلیق مدل‌ولی، به عوارض این تعلیق در حیطه ساختار و کارگزار نیز که خود داستانی جدی و جذاب است، اشاره می‌کنیم.

تقدیر و تشکر

انسان‌ها در قراردادهای نانوشته اجتماعی معانی را خلق می‌کنند و آنگاه معانی بر آنها حکومت می‌رانند؛ تا روزی که باز در قراردادی جدید معانی جدیدی زاده شوند. معانی هرگز نمی‌میرند بلکه همواره زاده می‌شوند و تا بی‌نهایت ادامه دارند. در این پژوهش کوشیده‌ایم تا این روند را با استناد به مفهومی خاص و سرنوشت‌ساز در تاریخ معاصر ایران، یعنی مردم‌سالاری دینی، مورد آزمون قرار دهیم.

در این مسیر از حمایت و پشتیبانی شخص آیت‌الله عباسعلی روحانی، ریاست محترم پژوهشکده امام خمینی^(س) و انقلاب اسلامی بهره برده‌ام و لذا سپاس‌گزارشان هستم که بستر و زمینه ایجاد این اثر، ثمره اعتماد و روحیه متساهل ایشان نسبت به فضای علمی

پژوهشکده است. سپاس فراوان از معاون پژوهشی آقای دکتر امیر عظیمی و مساعدت مدیر پژوهش آقای دکتر حسن مهدی‌پور که مشفقانه و مشوقانه امکان پژوهش را فراهم آوردند. مشاوره‌های آقای دکتر یحیی فوزی در شناسایی نقاط مبهم و تاریک کار بسیار راهگشا بود. بی‌شک در این مسیر مدیون راهنمایی‌ها و حمایت‌های دکتر منصور انصاری هستم که همواره پشتیبان و آموزگارم بوده‌اند. تشکر از خانم دکتر وطنی مدیریت محترم کتابخانه و همکاران فرهیخته کتابخانه پژوهشکده امام خمینی (ره) و انقلاب اسلامی که امکان استفاده از منابع را برایم فراهم نمودند. در انتها سپاس ویژه از جناب آقای سیدمحمد حسینی که زحمت آماده‌سازی اثر را به عهده داشتند و سرکار خانم‌ها اعظم سلیمانی و زهرا شیرخان‌زاده که بارها و بارها با دقت و حساسیت متن را مورد بازخوانی قرار دادند و بی‌اغراق در این مسیر زحمت بسیار کشیده‌اند. ناگفته پیداست که تمامی قصور و کاستی‌های اثر و مسئولیت نگارش و محتوا تنها به عهده اینجانب می‌باشد.

گیتی بورزکی